



«فرهیختگان» گزارش می دهد

بودجه ۵۲میلیاردی آمریکا در جنگ تراشه‌ها با چین

میلیارد دلار آن مربوط به صادرات آمریکا به چین و ۵۰۶ میلیارد دلار آن مربوط به صادرات چین به آمریکا است. میزان کل تجارت باحتی ارزش صادرات چین به آمریکا به تنهایی از تولید ناخالص داخلی بسیاری از کشورهای جهان وحتی برخی از اقتصادهای ثروتمند نفتی نیز بیشتر هستند.

با وجود این میزان از درهم تنیدگی اقتصادی امروز اما دو شاخصه بزرگ باعث شده تا آمریکا به دنبال مهار سریع چین باشد. نخستین عامل به خیزش چین بازمی گردد. چین گرچه در گذشته نیز به کمک جذب سرمایه‌های بین المللی تبدیل به اقتصادی شکوفا شده بود اما تا اوایل دهه اخیر به عنوان یک رقیب جدی برای غرب به حساب نمی آمد. مقامات غربی با وجود آگاهی نسبت به خطرات چین اما هیچ گاه در تصورات خود چنین روزهایی را که چین بخواهد قدرت را از غرب برپاید نمی دیدند. با این حال چین در سایه گرفتاری‌های آمریکا به‌ویژه بحران اقتصادی سال ۲۰۰۸ که غرب را درنوردید و همچنین تمرکز آمریکا بر جنگ‌های غرب آسیا موفق شد جایگاه خود را از یک رقیب بی‌آزار و شبه همکار به یک رقیب جدی و شبه دشمن برساند.

دومین عامل ارتقای سطوح پیشرفته صنعتی چین است. چین گرچه همچنان کارخانه مونتاژ است اما شرایطش همانند گذشته اسفبار نیست. درحال حاضر چین حتی اگر مونتاژگر جهان باقی‌مانده باشد این اقدام را در سطحی بالاتر از گذشته انجام می دهد و به قطعات و فناوری‌های وارداتی کمتری نیاز دارد. همچنین یکن در برخی از حوزه‌های فناوری موفق شده تا خود را به مراتب بالا برساند.

با این وجود همچنان به نظر می‌رسد گلوگاه‌های اصلی در بعضی از بخش‌ها در دستان آمریکا است. آنها هرچند برای مدتی از تولید بسیاری از کالاها در داخل خاک خود دست کشیدند تا از نیروی کار ارزان دیگر کشورها بهره ببرند، اما این مساله به معنای کنار رفتن واشنگتن از حوزه تولید نبود بلکه این کشور تلاش کرد نقاط بسیار حساس و گلوگاهی را در دستان خود حفظ کند. این نقطه کلیدی بخش‌های بسیار حساس دستگاه‌های الکترونیکی یا تراشه‌ها بودند. آمریکایی‌ها قالب تولید دستگاه‌های الکترونیکی را کماکان در دست دارند هرچند در حوزه تراشه‌ها نیز آمریکا سعی کرده است به جای تولید نهایی در مرکز طراحی وایدپردازی جای بگیرد.

محور رویکرد دولت آمریکا در برابر چین

خود استفاده می کند.» او با اشاره به محافظت از تلاش‌ها برای از بین بردن نبوغ یا به خطر انداختن امنیت آمریکا تصریح کرد: «ما در حال نیز کردن ابزارهایمان برای محافظت از رقابت فناوری هستیم. این شامل کنترل‌های صادراتی جدید و نیرومندتر است تا مطمئن شویم نوآوری‌های حیاتی ما به دست افراد نادرست نمی افتد: محافظت بیشتر برای تحقیقات دانشگاهی، به‌منظور ایجاد یک فضای باز، ایمن و حمایتی از علم؛ پدافند سایبری بهتر؛ امنیت نیرومندتر برای داده‌های حساس و اقدامات دقیق تر غربالگری سرمایه‌گذاری به‌منظور دفاع از شرکت‌ها و کشورها در برابر تلاش‌های پکن برای دسترسی به فناوری‌های حساس، داده‌ها، یا زیرساخت‌های حیاتی؛ به خطر انداختن زنجیره تأمین ما، یا تسلط یافتن بر بخش‌های راهبردی اصلی.»

در بخشی از این سخنرانی، بلینکن بی‌برده‌تر درباره مساله اصلی تقابل چین و آمریکا سخن گفته است: «تعاملات اقتصادی متوازن.» او گفته: «پکن می‌خواهد وابستگی چین به جهان را کاهش و وابستگی جهان به چین را افزایش دهد. ما به سهم خود، خواهان تجارت و سرمایه‌گذاری هستیم، البته تا زمانی که این مساله عادلانه باشد و امنیت ملی ما را به خطر نیندازد.»



فریب‌آمیز است زیرا به دلیل ارزش و نسبت بالای واردات آمریکا، بخش بزرگی از نفت موردنیاز این کشور در دیگر نقاط جهان به مصرف می‌رسد. این تعریف شاید به تمام کشورهای جهان قابل تعمیم باشد اما به دلیل شدت صحت درباره آمریکا بیشتر به این کشور اختصاص دارد.

از این رو آمریکا عملاً قادر به هدف‌گیری نقاطی از جهان که منبع واردات این کشور هستند، نیست. چین در این میان یک اولویت برای هدف قرار نگرفتن است.

این کشور که تقریباً از سه دهه پیش به کارخانه مونتاژ جهان بدل گشته است، محل تولید و مونتاژ کالاهایی بوده که ضمن ریشه آمریکایی طراحی‌شان، بیشتر به مصرف همین کشور نیز رسیده است. امروزه بیش از ۲۰ درصد صادرات چین به آمریکا اختصاص دارد. در سال ۲۰۲۱ حجم تجارت میان دو کشور ۶۵۷ بود که ۱۵۱

به یک‌دهه برساند، نقطه‌ای که در آن تراشه‌های تولید چین دلیلی برای تولید نخواهند داشت.

کمین آمریکا در گلوگاه اقتصاد صنایع الکترونیک اقتصادهای بزرگی مانند آمریکا و چین آنچنان با یکدیگر درهم تنیده شده‌اند که وقوع یک جنگ گرم میان این دو، هرچند ناممکن نیست اما بعید است.

اگر آمریکا در یک جنگ قصد داشته باشد تأسیسات صنعتی چین را نابود کند گویی کارخانه‌های خود را بمباران کرده است زیرا این تأسیسات نقش بزرگی در تأمین نیازهای نهادهای دولتی و مردم آمریکا دارند.

به همین دلیل است که برخی می‌گویند معرفی مصرف‌روانه ۱۹ میلیون بشکه نفت در آمریکا برای اعلام کل مصرف نفت این کشور

بزرگ رویه‌رو است؛ نخستین مشکل فاصله فناوری چین با دیگر کشورهاست، به گونه‌ای که فناوری تراشه‌های چین دست کم ۴ سال با تایوان فاصله دارد.

مورد دوم نیز به این معضل بازمی‌گردد که چین سازنده دستگاه‌های تولیدکننده تراشه نیست، بلکه مجبور به واردات آنهاست. چین پس از تحریم‌ها در سال ۲۰۱۹ تنها از یک شرکت مستقر در کالیفرنیا، پنج میلیارد دلار از ماشین‌های ساخت تراشه‌ها را خریداری کرد. چین که در نقطه آغازین مسیر تولید تراشه‌ها قرار داد موفق شده تاب‌آوری خود را در برابر تحریم‌های آمریکا افزایش دهد اما همچنان در خطر قرار دارد. چین در هر حال موفق شده با سرمایه‌گذاری در تراشه‌ها به سطحی از فناوری دست یابد و همچنین با واردات دستگاه‌های تولیدکننده از اثر فوری تحریم‌ها بر خود جلوگیری کند اما اگر در یک بازی طولانی مدت با غرب گرفتار نشود راهی جز سرمایه‌گذاری‌های بیشتر نخواهد داشت.

هدف آمریکا از تقویت بخش تراشه‌ها

آمریکا در حوزه تراشه‌ها قدرتی بی‌پدیل است از این رو سرمایه‌گذاری‌های کلانش در این حوزه نمی‌توانند صرفاً به‌منظور چیزی مانند خودکفایی باشند، بلکه به‌منظر می‌رسد اهداف دیگری نیز داشته باشند.

از آنجا که تراشه‌ها در دستگاه‌های الکترونیکی تجاری مورد استفاده قرار می‌گیرند، اگر فناوری تراشه‌های چین در مقابل کشورهای دیگر عقب‌مانده‌تر باشد، عملاً شرکت‌های چینی از گردونه رقابت‌های جهانی تراشه خارج می‌شوند.

آمریکا می‌خواهد فاصله کنونی فناوری تراشه‌های چینی با تراشه‌های غربی را که نیم دهه است، بیشتر کند و به‌عنوان مثال



سید مهدی طالبی

خبرنگار گروه بین‌الملل

نبردی که دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور سابق آمریکا با چین آغاز کرد، به‌سرعت در حال توسعه به بخش‌های دیگر است. درک ترامپ در تشدید منازعه با چین، بیش از هر چیز محدود به اقتصاد و شکاف بسیار زیاد در سطح واردات و صادرات با چین بود. او تقابل باچین را از اقتصاد آغاز کرد اما به این حوزه اکتفا نکرد و شمشیرش را برای مقابله با فناوری‌های پیشرفته چینی همچون 5G رو بست. ترامپ از کاخ سفید رفت اما نبرد با چین را تبدیل به میراثی برای هر دو حزب آمریکا کرد تا حتی پس از او نیز این جنگ ادامه داشته باشد. در تازه‌ترین اقدام آمریکایی‌ها که بی‌وقفه برای مهار چین تلاش می‌کنند، قصد دارند بودجه ۵۲ میلیارد دلاری در حوزه تولید نیمه‌هادی‌ها هزینه کنند. به گزارش الجزیره دموکرات‌های ایالات متحده روز سه‌شنبه گفتند امیدوارند به یک توافق دو حزبی ۵۲ میلیارد دلاری برای یارانه دادن به تولید نیمه‌رساناهای ایالات متحده و تقویت رقابت ایالات متحده با فناوری چین دست یابند.

صنعت کاربردهای وسیعی در صنایع استراتژیک جهان از جمله صنایع نظامی، موشک‌سازی، خودروسازی و صنعت وسیع تکنولوژی دارد، در اهمیت این حوزه همین‌بس که با کمبود جهانی نیمه‌هادی‌ها، چندین خودروساز مجبور به توقف تولید شدند.

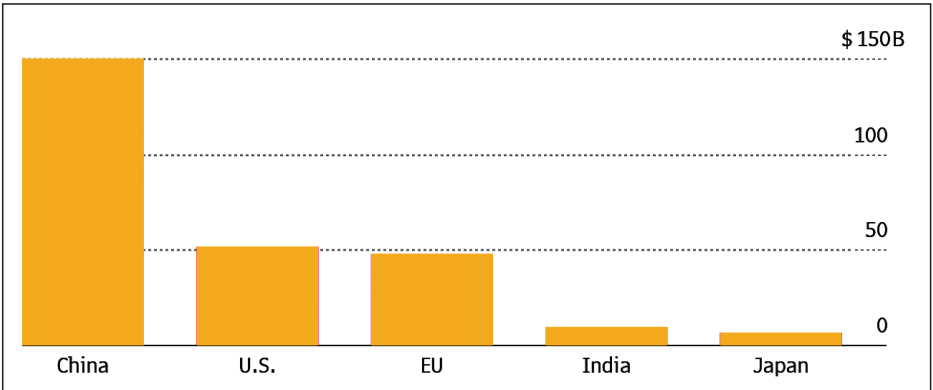
نانسی پلوسی، رئیس مجلس نمایندگان و چاک شومر، رهبر اکثریت سنا، که هر دو دموکرات هستند با کوین مک کارتی، رهبر جمهوری خواهان مجلس نمایندگان و میچ مک کانل، رهبر جمهوری خواهان سنا، دیدار کردند تا تلاش کنند به یک مصالحه در این حوزه دست یابند، اما تا کنون توافقی را اعلام نکردند. پلوسی و شومر با صدور بیانیه‌ای خواستار اقدام سریع شدند و گفتند که معتقدند دلیلی وجود ندارد که این لایحه در ماه جولای در کنگره تصویب شود. قانون سنا که در ژوئن ۲۰۲۱ به تصویب رسید، شامل ۵۲ میلیارد دلار یارانه برای چیپ و مجوز ۲۰۰ میلیارد دلار دیگر برای تقویت نوآوری علمی و فناوری ایالات متحده برای رقابت با چین بود. نسخه مجلس که در فوریه تصویب شد، تقریباً سه‌هزار صفحه است و شامل چندین پیشنهاد تجاری است که در لایحه سنا نیستند.

تراشه‌ها

در تولید تراشه‌ها باید سه حوزه اصلی را درنظر گرفت؛ کشورهای طراح تراشه‌ها، کشورهای سازنده دستگاه‌های تولید تراشه و سوم کشورهای تولیدکننده تراشه. اغلب در میان این حوزه‌ها همپوشانی‌هایی وجود دارد اما میان حوزه‌های دوم و سوم میزان این همپوشانی کمتر است.

آمریکا، ژاپن و هلند سه کشوری هستند که سازنده دستگاه‌های تولید تراشه‌اند، از سوی دیگر آمریکا، تایوان و چین نیز جزء کشورهای تولیدکننده تراشه‌ها به حساب می‌آیند.

چین تا پیش از تحریم‌های آمریکا جایگاه چندانی در تولید تراشه‌ها نداشت اما هنگامی که وابستگی وحشتناک خود به تراشه‌ها را پس از تحریم شدن درک کرد با سرمایه‌گذاری در این حوزه موفق شد در این حوزه به جایگاه بزرگی دست یابد اما همچنان با دو مشکل



طرح‌های هزینه‌ای در توسعه نیمه هادی‌ها که تصویب شده یا در حال بررسی است

اکثریت آمریکایی‌ها، بایدن را عامل افزایش قیمت سوخت می‌دانند

جو بایدن، رئیس‌جمهور آمریکا که پس از روی کار آمدنش، قیمت بنزین دو برابر شده است، در برابر خشم مردم همواره تأکید داشته که ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه به دلیل حمله اوکراین مقصر این افزایش قیمت است. با وجود ادعای بایدن اما براساس نظرسنجی راسموسن که روز سه‌شنبه منتشر شد، تنها ۱۱ درصد از آمریکایی‌ها معتقدند که پوتین عامل قیمت‌های بی‌سابقه بنزین در آمریکا است. در مقابل اکثریت مردم آمریکا بایدن را مقصر این وضعیت می‌دانند.

به گزارش راشاتودی بیش از نیمی (۵۲درصد) از پاسخ‌دهندگان به نظرسنجی راسموسن که هفته گذشته انجام شد، به سیاست‌های ضعیف انرژی بایدن اشاره داشتند مساله‌ای که نشان می‌دهد روایت دموکرات‌ها مبنی بر اینکه روسیه عامل افزایش قیمت‌هاست، در جامعه آمریکا رواج چندانی نیافته است. در ایسن میان مردم آمریکا گروه دیگری را نیز عامل افزایش قیمت می‌دانند به گونه‌ای که ۲۹ درصد از شرکت‌کنندگان در نظرسنجی راسموسن شرکت‌های نفتی را متهم کرده‌اند که از شرایط بی‌ثباتی ژئوپلیتیکی در جهان سوءاستفاده کرده تا قیمت انرژی را افزایش دهند.

به نظر می‌رسد بایدن نیز با درک این موضوع که روایت او درباره نقش پوتین در افزایش قیمت بنزین در آمریکا کارایی ندارد، تلاش می‌کند تا افکار عمومی را نسبت به شرکت‌های نفت و گاز تحریک کند. رئیس‌جمهور آمریکا مدعی است اقدامات مخرب شرکت‌های نفتی و ترجیح‌شان برای کسب سودهای بالاتر باعث شده تا آنها برخلاف منافع مردم، به سمت اقداماتی حرکت کنند که نتیجه آن افزایش قیمت بنزین است.

آمریکا واردات نفت و گاز از روسیه را ممنوع کرده است. تا پیش از آن مسکو تنها ۲ درصد از نفت واشنگتن را تأمین می‌کرد. در آن برهه درحالی که ایالات متحده واردات نفت و گاز روسیه را در ماه مارس ممنوع کرد، مسکو قبل از آن فقط دو درصد از نفت خود را تأمین می‌کرد. از همان زمان تا حال حاضر نیز آمریکا یک صادر کننده بزرگ گاز بوده است. با این حال به جز نفت، قیمت گاز نیز سیر صعودی داشته است.

حدود ۹۲ درصد از رای‌دهندگان در نظرسنجی روز سه‌شنبه افزایش قیمت گاز، نفت گرمایش‌خانه و سایر سوخت‌ها را یک مشکل جدی دانستند و ۶۸ درصد آن را «بسیار جدی» خواندند. علیرغم افزایش شدید انرژی و مواد غذایی در آمریکا که دلایل مختلفی ازجمله تزریق پول به اقتصاد آمریکا در دوران کرونا دارد، هیچ نشانه مثبتی از اقدام بایدن برای کاهش تورم در آمریکا دیده نشده است. ناکامی بایدن در کنترل تورم یا غالب کردن یک روایت مقبول برای توجیه آن می‌تواند در انتخابات ماه نوامبر کنگره برای دموکرات‌ها گران تمام شود.

بریتانیا با ثبت تورم ۹٫۱درصدی رکورد زد

برای بهره‌وری و دستمزدها به همراه داشته که باعث شده هزینه‌های زندگی برای خانوارها افزوده شود.

نرخ تورم کل بریتانیا در ماه می بالاتر از ایالات متحده آمریکا، فرانسه، آلمان و ایتالیا بود. درحالی‌که ژاپن و کانادا هنوز اطلاعات مربوط به قیمت مصرف‌کننده در ماه می را گزارش نکرده‌اند، هیچ کدام از این دو کشور نیز به احتمال زیاد تورمی به اندازه بریتانیا ندارند.

بانک مرکزی انگلستان هفته گذشته اعلام کرد تورم احتمالاً در ماه‌های آتی بالای ۹ درصد باقی می‌ماند تا اینکه در اکتبر به بالاتر از ۱۱ درصد می‌رسد؛ چیزی که به معنای افزایش مجدد قبوض انرژی خانوارهاست. ریشی سوناک، وزیر دارایی بریتانیا پس از انتشار این داده‌ها گفت دولت بریتانیا تمام تلاش خود را برای مبارزه با افزایش قیمت‌ها انجام می‌دهد.

قیمت‌های مواد غذایی در ماه می ۸٫۷درصد افزایش یافت که بزرگ‌ترین جهش از مارس سال ۲۰۰۹ بود و این دسته را به بزرگ‌ترین عامل تورم سالانه در ماه گذشته تبدیل کرد. با این حال قیمت‌های مصرف‌کننده در تمام اجناس به‌طور کلی در ماه می ۰٫۷ درصد افزایش یافت که کمی بیشتر از ۰٫۶ درصدی بود. که پیش‌تر انتظار می‌رفت. قیمت‌های در کارخانه بریتانیا در ماه می ۲۲٫۱ درصد بیشتر از سال قبل بود که بزرگ‌ترین افزایش از زمان شروع این ثبت اطلاعات در سال ۱۹۸۵ به حساب می‌آید.

افزایش قیمت مواد غذایی، تورم قیمت مصرف‌کننده بریتانیا را در ماه گذشته به بالاترین میزان در ۴۰ سال گذشته یعنی ۹٫۱ درصد رساند که بالاترین نرخ در بین کشورهای گروه هفت است. بررسی سوابق تاریخی دفتر آمار ملی نشان می‌دهد که تورم ماه می بالاترین میزان از ماه مارس ۱۹۸۲ بوده است. با این حال انتظار می‌رود در آینده نزدیک این وضعیت وخامت بیشتری پیدا کند. پوند به‌عنوان واحد پول بریتانیا، در سال جاری عملکرد ناامیدکننده‌ای داشته است به گونه‌ای که در این برهه حتی به‌زیر ۱٫۲۲ دلار نیز سقوط کرد. نرخ کنونی پوند در برابر دلار نیز چندان وضعیت خوبی ندارد اما به ۱٫۲۳ دلار رسیده است. برخی از سرمایه‌گذاران بریتانیا را در معرض خطر تورم بالا و رکود عمیق می‌دانند که این مساله ناشی از صورت حساب‌های سنگین واردات انرژی و مشکلات مداوم برگزیت است. ادامه یافتن مشکلات برگزیت می‌تواند به روابط تجاری با اتحادیه اروپا آسیب‌های بیشتری وارد کند.

جک لیلی، اقتصاددان ارشد در اندیشکده بنیاد روزولشن می‌گوید: «با چشم‌انداز اقتصادی بسیار نامشخص، هیچ‌کس نمی‌داند که تورم چقدر می‌تواند بالا برود و این روند صعودی تا چه مدت ادامه خواهد داشت؛ که قضاوت‌های سیاست مالی و پولی را به‌ویژه سخت‌تر می‌کند.»

بنیاد روزولشن اوایل روز چهارشنبه اعلام کرد که برگزیت بریتانیا را به یک اقتصاد بسته‌تر تبدیل کرده است و همچنین پیامدهای مخرب بلندمدتی